کارنامه سیاستمدار

ترور تئوریسین

بررسی زندگی و اندیشه‌های سعید حجاریان در سالگرد ترور او

سمیه متقی- فرهاد فخرآبادی
گروه سیاسی

«سعید رفت»؛ عنوان سرمقاله‌ای بود که روز ۲۲ اسفندماه ۱۳۷۸ در روزنامه کیهان به قلم حسین شریعتمداری و با واژگانی چون «آقا سعید ما» نوشته شد (یادداشتی که از آرشیو روزنامه حذف شد)؛ خبری که در کنار ویژه‌نامه روزنامه «صبح امروز» با تیتر «شلیک به مغز متفکر اصلاحات» خبر هولناک تروری که صبح آن روز روبه‌روی ساختمان شورای شهر تهران در خیابان بهشت رخ داده بود؛ اطلاع‌رسانی می‌کرد. تیراژ «صبح امروز» آن روز به یک میلیون نسخه رسید و همه پیگیر اطلاعات جدید از واقعه بودند.

۲۴ سال پیش در چنین روزی سعید حجاریان، نایب‌رئیس شورای شهر تهران به ضرب گلوله سعید عسگر، پسر ۱۹ ساله با اسلحه ماکاروف به گونه و آسیب به نخاع، ترور شد؛ آن هم کمتر از یک ماه پس از آنکه جبهه دوم خرداد (که حالا با نام اصلاح‌طلب شناخته می‌شود) توانسته بود اکثریت قاطع مجلس ششم را به‌دست آورد؛ جریانی که از دوم خرداد ۱۳۷۶ با پیروزی سیدمحمدخاتمی در انتخابات ریاست‌جمهوری موجی را در کشور شکل داد که به پشتوانه رای ۲۰ میلیونی، حرکت اصلاحی را در پیش گرفته بود و ابتدا در اسفندماه ۱۳۷۷، شورای شهر اول را در بسیاری از شهرها با اکثریت قاطع به دست آورده و در ادامه اکثریت پست‌های انتخابی را به خود اختصاص داد. البته اتفاقاتی از جمله افشای قتل‌های زنجیره‌ای به همت دولت وقت و تلاش‌های روزنامه‌ها از جمله روزنامه «صبح امروز» به مدیرمسئولی سعید حجاریان نیز فضای سیاسی پرتکاپو و پرشوری را ایجاد کرده بود. در چنین شرایطی که کمتر کسی انتظار وقوع چنین رخدادهایی را در کشور داشت؛ ترور اتفاق افتاد و سعید عسگر در جلسه دادگاه این حادثه را چنین تعریف کرد: «تلاش گروه ما به سرپرستی (سیدمرتضی) مجیدی بر این بود تا پیرامون خود را از فساد پاک کنیم و اگر اقداماتی از این دست در شهرری انجام داده‌ایم، با هدف پاکسازی جامعه از فساد بوده است... یک‌شنبه ۲۲ اسفندماه سال گذشته [۱۳۷۸] ساعت ۷ صبح من با اتوبوس و تاکسی به میدان حر رفتم و طبق قرار ساعت ۸ و ۲ دقیقه مجیدی با یک موتور سوزوکی هزار سر قرار آمد. من به او گفتم مگر قرار نبود با هوندا ۱۲۵ بیایی؟ جواب داد که قرار عوض شد. با همان موتورسیکلت به نزدیکی ساختمان شورای شهر[خیابان بهشت] رفتیم. ساعت ۸ و ۲۰ دقیقه یک نفر با بارانی سرمه‌ای آمد که مجیدی گفت او[محمدعلی] مقدمی است. مقدمی وارد ساختمان شورا شد و سپس بیرون آمد و با اشاره گفت که[سعید] حجاریان هنوز نیامده است. بعد از این، یک خانمی نیز با مقدمی صحبت کرد و به سمت شهرداری تهران رفت و سپس مقدمی با اشاره گفت حجاریان می‌آید و به دنبال آن او به سمت حجاریان رفت و با دادن نامه او را متوقف کرد... من نیز به سمت آنان رفتم و وسط خیابان «بهشت» اسلحه را مسلح کردم...» (روزنامه اطلاعات ۱۳۷۹/۲/۷) رخدادی که در ابتدا چهره‌هایی مانند محمدرضا باهنر و برخی فعالان جناح راست و رسانه‌هایی مانند کیهان و رسالت در تلاش بودند آن را به دوم‌خردادی‌ها نسبت دهند و در این بین حتی احمد حکیمی‌پور از دیگر اعضای شورای شهر تهران که حجاریان را پس از ترور به بیمارستان منتقل کرده‌بود نیز بازداشت شد؛ احمد زیدآبادی، تحلیلگر سیاسی در کتاب خاطراتش در این باره گفته است: «پس از دستگیری حکیمی‌پور، روزنامه رسالت درباره اقدام به خودکشی او در زندان به زعم خود هشدار هم داد! من این هشدار را خطرناک تلقی کردم و با نوشتن یادداشتی در ستون نقد روز همشهری درباره سربه‌نیست کردن احتمالی حکیمی‌پور اظهار نگرانی کردم. حکیمی‌پور پس از مدتی آزاد شد؛ اما روزنامه رسالت پس از آن با ذکر حروف نخست اسم و فامیل هدی صابر، رضا علیجانی، تقی رحمانی و من، چهار نفر ما را به دست داشتن در ترور حجاریان متهم کرد! این نوشته زمینه مناسبی برای شکایت از روزنامه رسالت... برای ما چهار نفر فراهم کرد. این بود که به اتفاق هم به یکی از مراکز قضایی مراجعه کردیم و شکایتی را به ثبت رساندیم.»

احمد زیدآبادی، تحلیلگر سیاسی در کتاب خاطراتش در این باره گفته است:«حکیمی‌پور، پس از مدتی آزاد شد؛ اما روزنامه رسالت پس از آن با ذکر حروف نخست اسم و فامیل هدی صابر، رضا علیجانی، تقی رحمانی و من، چهار نفر ما را به دست داشتن در ترور حجاریان متهم کرد! این نوشته زمینه مناسبی برای شکایت از روزنامه رسالت... برای ما چهار نفر فراهم کرد. این بود که به اتفاق هم به یکی از مراکز قضایی مراجعه کردیم و شکایتی را به ثبت رساندیم.»

اما در نهایت خط و ربط تروریست‌ها، حضورشان در بسیج شهرری و گروهی با عنوان «دخمه» به میان آمد؛ عسگر به حجاریان شلیک کرده بود، علی پورچالویی، همدست سعید عسگر که طلبه و از اعضای فعال بسیج شهرری بود و باشگاه ورزش رزمی داشت، مهدی روغنی که طبق صورتجلسه مربوط به بازشماری آرای انتخابات مجلس ششم، نماینده هیئت نظارت شورای نگهبان بود و نامش در پرونده بود و محمدعلی مقدمی که با دادن نامه‌ای به آقای حجاریان، او را جلوی ساختمان شورا متوقف ساخته و شخصی به نام صفر مقصودی که به مباشرین سلاح فروخته بود. در این بین، عسگر متهم ردیف اول به واسطه اقدام علیه امنیت کشور از طریق مباشرت در ترور سعید حجاریان و ابوالقاسم شفیعی به مجازات ۱۵ سال حبس محکوم شد. همچنین متهم ردیف دوم سیدمحسن مجیدی معروف به مرتضی به ۱۰ سال حبس در زندان شیراز و متهم ردیف سوم محمدعلی مقدمی به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و معاونت در ترور حجاریان به ۷ سال حبس در زندان کرمانشاه محکوم شدند. متهم ردیف چهارم صفر مقصودی به جرم نگهداری و فروش سلاح به ۴ سال حبس و متهم ردیف پنجم علی پورچالویی به جرم نگهداری و استفاده از سلاح قاچاق به ۳ سال حبس محکوم شد. دادگاه درخصوص اتهامات متهمان، موسی جان‌نثاری، مهدی روغنی و سعید گکوگانی با توجه به محتویات پرونده و تحقیقات انجام‌شده رای بر برائت صادر کرد(۲۹ اردیبهشت ۷۹).

مجرمان و مباشران حادثه فقط یک‌سال در زندان ماندند؛ و البته به نظر نمی‌رسد از عمل خود پشیمان هم شده باشند؛ چنانچه مهدی روغنی از این گروه در مصاحبه‌ای پس از ۱۴ سال اعلام کرد: «سعید حجاریان را خدا زد. نمی‌خواهم اغراق کنم که آدم مذهبی هستم ولی این کار، کار خدا بود. از اول تا آخرش تخصصی کار خدا بود. حالا خدا لطف داشت به اسم ما تمام شد و به ما عزت داد...» و در این بین حجاریان نیز درباره عاملان این اتفاق ۲۰ سال پس از حادثه چنین گفته بود: «معتقدم سعید عسگر در جریان ترور من کاره‌ای نبود. عسگر تنها ماشه بود. آنهایی که ماشه را کشیدند، مهم هستند. آنهایی که من را ترور کردند، افراد بی‌تجربه‌ای بودند... برای او ۱۵ سال زندان در نظر گرفته شد اما بعد از یک‌سال آزادش کردند. جالب اینجاست که ترور من حتی برای عسگر و همدستش پیشینه کیفری هم به حساب نیامد [...] ترور من ربطی به وزارت اطلاعات نداشت. ضمن اینکه قبل از وقوع ترور، آقای یونسی در جلسه‌ای که اصلاح‌طلبان و مخالفان اصلاحات در آن حضور داشتند، به من گفت می‌خواهند شما و آقای نوری را بزنند. ایشان در جریان بود که چنین اتفاقی می‌افتد اما اینکه ترور من به ایشان مربوط شود، خیر، این‌طور نبود(روزنامه شرق)».

حجاریان به‌عنوان تئوریسین جریان اصلاحات ۲۲ اسفند به قصد حذف از فضای سیاسی و اثرگذاری بر آن و ایجاد رعب و وحشت ترور شد؛ تروری که در پی ناکامی و عوارض بسیار جسمی و حرکتی این انتظار را ایجاد می‌کرد که یا او حرکت به سمت محافظه‌کاری و ترک فعالیت سیاسی را در پیش بگیرد یا متأثر از آن مسیری رادیکال‌تر انتخاب کند و اصلاح‌طلبی را ترک کند اما حجاریان هنوز اصلاح‌طلب است و اندیشه اصلاح‌طلبی را رواج می‌دهد؛ او کیست و در پیش و پس این واقعه چه گفته است؟

از دانشجوی مکانیک انقلابی تا طراح وزارت اطلاعات

«محمد مصدق/ محمد خاتمی»، «حسین فاطمی/ سعید حجاریان»، «روزنامه باختر امروز/ روزنامه صبح امروز». بعد از ترور حجاریان این دوگانه و این تشابه‌انگاری به‌ویژه در پی

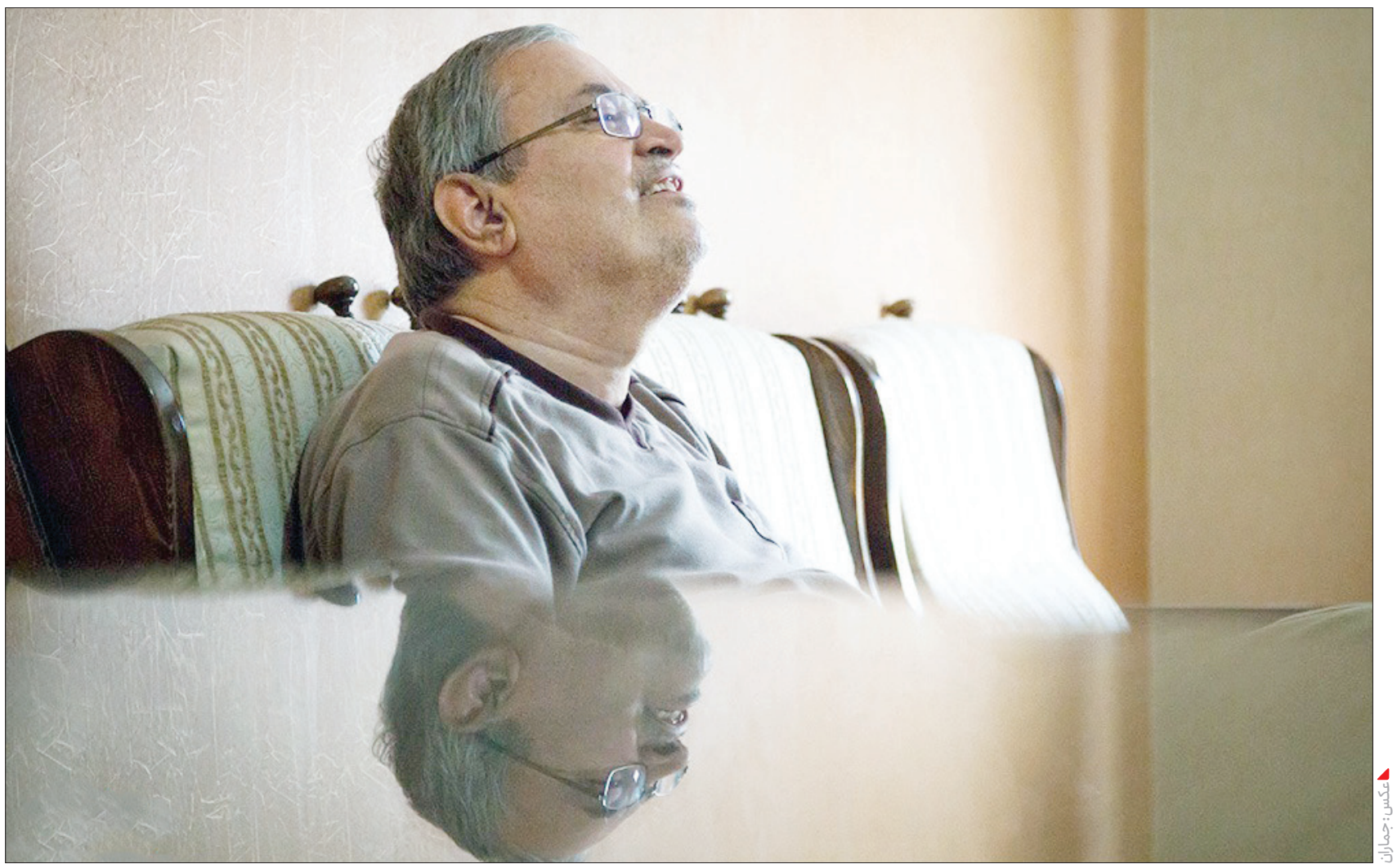

عکس: جماران

نظریه‌های پس از ترور/ ۱

زنده‌باد اصلاحات

مهر ۱۳۸۵ یادداشتی با عنوان «زنده‌باد اصلاحات» می‌نویسد و در آن با ذکر دلایلی نتیجه می‌گیرد که امکان نظری و عملی حدوث و تداوم حاکمیت دوگانه در آن مقطع زمانی که یک‌سال از دولت احمدی‌نژاد گذشته بود، وجود دارد. در بخشی از این یادداشت می‌آورد: از آنجا که دوگانگی در کلیه شئون و مشروعیت دوگانه حکومت در حوزه سیاست، وضعیت طبیعی و بالفعل ماست، باید به حاکمیت دوگانه تبدیل شود؛ به‌زعم من حتی باید تلاش کرد تا دوگانگی حاکمیت استمرار یابد، زیرا: الف) با تداوم حاکمیت دوگانه امکان تقویت نهادهای مدنی به‌عنوان پشتیبانان پایه مردمی حکومت، در فرجه شکاف‌ها و کشمکش‌های میان حاکمیتی میسر خواهد شد. ب)تداوم حاکمیت دوگانه به شفافیت و علنیت منجر می‌شود، زیرا هر دو طرف به شدت مراقب یکدیگرند و مکانیزم کنترل و تعادل جاری و ساری خواهد شد. ج) با استمرار حاکمیت دوگانه، امکان مواضعه میان هر دو جناح و نیروهای اپوزیسیون قانونی به‌ویژه برای یارگیری از جامعه وجود خواهد داشت، به همین دلیل مشارکت مردمی تقویت می‌شود و عرصه سیاسی گسترش و توسعه می‌یابد، به‌گونه‌ای که بخش‌هایی از معاندین نظام هم به تدریج برای حضور در این عرصه قواعد بازی را می‌پذیرند (به اپوزیسیون قانونی تبدیل می‌شوند). د)در حاکمیت دوگانه، راه بومی اصلاحات سیاسی ممکن و کم‌هزینه خواهد شد و اگرچه ممکن است بر طولانی بودن راه خرده گرفته شود، اما به هر حال، راه را برای اصلاحات وارداتی که در کوله‌پشتی سربازان خارجی است، خواهد بست.»

نرمالیزاسیون

شهریور ۱۳۹۴ یادداشتی را در مجله اندیشه پویا می‌نویسد و در آن به حسن روحانی پیشنهاد می‌دهد در دولتش «نرمالیزاسیون» را پیش ببرد. او استدلال می‌کند که برای برون‌رفت از شرایطی که دولت جدید در آن قرار دارد، باید موقتاً از بعضی اصول تنازل کرد. براساس پیشنهاد حجاریان در نرمالیزاسیون مهم‌ترین پژوه دولت تدبیر و امید در شرایط موجود بوده است. او در بخشی اشاره می‌کند که «با نرمالیزاسیون فعلاً باد موافقی وزیده است و مردم هم راضی‌ترند، اگرچه نرمالیزه کردن چیزی متفاوت از مطالبه دموکراتیزه کردن باشد.»

اصلاح‌طلبی و خشونت

پس از درگیری‌های آبان ۹۸، با نگارش یادداشتی به بررسی خشونت و اصلاح‌طلبی در جامعه ایران پرداخت. او در بخش پایانی یادداشت خود اشاره می‌کند که در چنین وضعیتی اصلاح‌طلبی چند مسیر کوتاه‌مدت پیش‌رو دارد: «۱- چشم‌پوشی از تنش: اصلاح‌طلبی در این وضعیت تعمداً دعواهای موجود در سطح پایین و بالای جامعه سیاسی را نادیده می‌انگارد و میانه را به‌عنوان عرصه سیاست‌ورزی برمی‌گزیند و ذیل این راهبرد شورایی از عقلای کشور را تشکیل خواهد داد تا در آن وخامت شرایط کشور ترسیم شود و ضمن روشن کردن قواعد بازی، راهکاری ملی برای نجات کشور عرضه شود. البته که این راهبرد الا و لابد از دل فهرست‌های مشترک انتخابات استصوابی بیرون نخواهد آمد! ۲- مذاکره با نیروهای مؤثر: مطابق این رویکرد بخشی از جریان اصلاح‌طلبی می‌تواند از مجرای ایثارگران مذاکره با طیفی از نیروهای مسلح را آغاز و در خصوص حوزه‌های اقتصاد و اطلاعات و نیز فعالیت‌های نظامی رایزنی کند. ۳- مذاکره اروپایی: اصلاح‌طلبی در این رویکرد، مطابق آنچه در اندیشه غالب تصمیم‌سازان می‌گذرد، دولت را به مذاکره با کشورهای اروپایی ترغیب می‌کند تا اولاً کنش‌گری‌های درونی سامان بیابد و ثانیاً در بیرون، چهره‌ای متفاوت از ایران ارائه شود. ۴- بازسازی سرمایه خاتمی: بازسازی سرمایه از مجرای فعال شدن مجدد وی، ارائه تحلیل و راهبردهای روشن می‌گذرد؛ یک سوی این راهبرد «آتش‌بس» است که در مقابل ایده تعریف می‌شود و سوی دیگر آن تبدیل «محدودیت تردد» به «حصر» است.